

آیات الاحکام ۲- مشهد - جلسه اول

بیست و پنجم آذرماه ۱۴۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

یکی از بحث هایی که ما باید با هم داشته باشیم؛ صحت یا عدم صحت تمسک به ظواهر قرآن است؛ موضوع را به دو شکل مطرح می کنند و آن این که آیا ظهور دارد یا ندارد (نزاع صغروی) و برخی معتقدند در این که ظهور دارد یا نه شکی نیست که ظهور دارد اما سوال این است که آیا قابل تمسک هست یا نه ؟ (نزاع کبروی)

البته مسلم است فقیهی که صحبت از آیات الاحکام میکند طبیعتا پذیرفته است که قرآن هم ظهور دارد. و یا این که قرآن، ظاهرش حجت است.

بحث بعد در خصوص تعداد یا سنجه های آیات الاحکام است.

از کسانی نام ببرم که روی مباحث علوم قرآنی کار کرده بودند؛ مرحوم آقای معرفت که من از خود ایشان شنیدم که اصرار داشت که همه آیات قرآن، آیات الاحکام است.

من معتقدم در آیه ای مثل: مد هامتان ؛ سوال این است که چگونه این آیه آیات الاحکام است؟!

در آیه قوا انفسکم و اهلیکم نارا ؛ آقای خویی معتقد است منظور آیه این است که باید جواب خواسته های جنسی همسر را به گونه ای داد و او به آتش نیفتد و او را راضی نمودبرخی این را آیات الاحکام قلمداد می کنند و برخی آن ها آن را یک متن معرفتی میدانند

بحث بعد: روش شناسی استدلال و مراجعه ائمه

کسی اگر بخواهد عمیقا در حوزه آیات الاحکام قرآن کار کند باید روش استدلال و مراجعه ائمه را بداند و یاد بگیرد.

آشیخ جعفر طبعی در این زمینه کتابی دارد که میتواند منبعی باشد در این بارهو کسی که علاقه مند بود میتواند مراجعه کند و ببیند ائمه چگونه استدلال می کردند ..

چهارم : امکان یا عدم امکان تخصیص و تقیید عمومات و اطلاعات قرآن به مثل خبر واحد

سوال این است که آیا ما میتوانیم عمومات و اطلاعات قرآن را با خبر واحد، تخصیص بزنیم و اگر مطلق باشد، تقیید بزنیم یا نه ؟وقتی قرآن می فرماید: ولهن الربع مما ترکتم ؛...آیا می توان بر اساس این آیه ،تخصیص زد و گفت این شامل عقار نمی شود.

قطعا عمومات و اطلاعات قرآن را می توان با خبر واحد مقید کرد و تخصیص زد با خبر واحد محفوف به قرینه هم می شود.

اما با خبر واحد معتبر اما بدون خبر قطعی و متواتر می شود یا نه ؟ که البته محل بحث است.

لذا ما این را جدا کردیم به عنوان دو منهج استدلال.....

پنجم: روایات مفسر قرآن ؛ رابطه یکسویه و دو سویه

خیلی از آیات قرآن، ذیل آن ها آیات مفسر وجود دارد. هزاران روایات ما ذیل آیات داریم؛

سوال این است که این روایت آیا توسط همین آیه تفسیر می شود یا نه ؟مثلا ذیل آیه، «و من الناس من یشتری لهو الحدیث» روایت وارد شده که این لهو الحدیث غنا است...آیه لهو الحدیث را دارد لیضل عن سبیل الله ویتخذها هزوا ؛ آیا می توان کاری کرد که روایت مرتبط با این آیه توسط همین آیه تفسیر شود ؟ و لذا غنا از جنس کلام شود...غنای مشکل دارد که لیضل عن سبیل الله باشد....این همان رابطه دو سویه است که گاه روایت ، آیه را تفسیر می کند و گاه آیه ، روایت را .. که البته این موضوعی است که باید کار شود.

بحث ششم: اطلاعات و عمومات قرآن و افراد نوپیدا

در معاملات و قراردادها که حرام شده باشد، افراد جدیدی پیدا میشوند؛ سوال این است که آیا قرآن این افراد جدید را می گیرد یا نمی گیرد؛ اگر می گیرد، آن شش اشکالی که قائلان به عدم شمول می گویند را باید چه کار کرد؟ باید در این باره تحقیق شود.

در کتاب فقه و حقوق من پنج آیه را که ادله عام قراردادهاست، را بحث کردم که یکی از آن ها اوفوا بالعقود است که این بحث ذیل این قسمت است.

بحث هفتم: سیاق و نقش آن در استنباط احکام و تقطیع آیات ..

بحث این است که در مباحث قرآنی ما چقدر باید در قرآن به بحث سیاق توجه کنیم... و سیاق را ملاحظه کنیم. نقطه مقابل سیاق تقطیع است....

گاه برخی معتقدند در یک رفت و آمد تفسیری گاه باید با سیاق و مطابق آن آیه را تفسیر کنیم و گاه بدون سیاق ...

سوال: آیا ما در قرآن این آیه را داریم که: «ما علی المحسنین من سبیل» یا نداریم؟

سخت است که ما از این قاعده، قاعده احسان را در بیاوریم. لذا پزشک، پیرا پزشک و یا صاحبان حرف و این هایی که محسن اند اگر خسارتی بزنند و در راستای کارشان باشد، ضامن نیستند....

بحث این است که این آیه راجع به مسئولیت مدنی و ضمان و عدم ضمان نیست؛ این آیه راجع به کسانی است که نزد پیامبر می آمدند و اشک می ریختند و

سوال این است که آیا مراجعان قرآن طیف خاصی هستند یا این که همگان اند؟

و سوال دیگر این است که آیا قرآن مهجور راست؟ مهجور بین فقیهان... یا این که این طور نیست؟ اگر مهجور است چرا مهجور است آیا دلیل علمی دارد؟ لذا اگر کسی معتقد باشد که قرآن، مهجور راست، سعی می کند در استنباطات حتی الامکان از قرآن استفاده کند، مثلاً قرآن را حداکثری ببیند.... من این بحث را در جلسات آینده خواهم داشت که آیا ما از قرآن استفاده حداکثری داشته باشیم یا حداقلی... کدامیک؟

بحث تاریخی بودن احکام و آیات قرآن... که اهل مطالعات شبهات باشید از بحث های کاملاً به روز و در فلسفه فقه هم مطرح می شود.

بحث بعدی این است که قرآن متن نوشتاری است یا گفتاری ...

بحث بعدی: قرآن و تثبیت منابع دیگر استنباط؛

مثلاً کسی قرآن را مطالعه کند و ببیند در قرآن خبر واحد، ثابت هست یا نه؟

شهرت یا عقل یا اجماع امت چگونه؟

منابع و اسناد دیگر استنباط دیگر در قرآن آیا تثبیت شده یا نه؟

به هر حال این یک بحث اصولی است ولی جای کار دارد

بحث بعدی: لزوم توجه به مصطلحات قرآن

هیچ وقت فریب مفهوم شناسی و اصطلاح شناسی عصر را نخورید....

گاه در روایات کلمه وجوب و واجب به کار رفته که به معنای ثابت است و نباید اشتباه گرفت و استنباط کرد

این که در روایت هست واجب بر امام اجرای حدود است شما نمی توانید از این عبارت استنباط کنید که حاکم هم همانند امام باید حد را جاری کند....

واجب یعنی ثابت ؛ وجبت جنوبها یعنی ثبوت ...

وجبت له الجنة یعنی ثبوت....

نه یعنی واجب مقابل حرام که البته معنی هم نمی دهد ...

و لذا ممکن است آفتی پیدا شود و این ثبوت را از بین ببرد که می شود «اقتضا» ...

واجب را وقتی مقابل ثابت در نظر می گیریم یعنی مشروع که می تواند مستحب و یا واجب باشد

در قرآن هست که : انما المشركون نجس فلا يقربوا ...

باز در روایت هست که : انما اقضى بينكم بالبينات والایمان

ما بیاییم که بینات را به معنای شهادت شهود در نظر بگیریممقابل اقرار مقابل سند رسمی یا ...شواهد و قرائن دال ...

بحث بعدی : گسست آیات مبین شریعت از آیات مبین مقاصد ...

مبادا ما وقتی از آیات الاحکام صحبت می کنیم بیاییم از آیات مبین مقاصد بحث کنیم به اشتباه و فکر کنیم که این آیه دارد حکم شرعی را مطرح می کند

باید دید کدام آیه مبین مقاصد هست و کدام آیه مبین احکام ...

مطلب بعد : امکان یا عدم امکان اصطیاد قواعد کلان از آیات نازل در موارد خاص

گاه یک آیه در یک مورد خاص آمده یا روایتی در مورد خاص ، آمده است؛ آیا می توان از آن اصطیاد قاعده کرد؟ البته که نه ...اگر اصطیاد قاعده شود، در صدها مورد میتوان از آن استفاده کرد و الا نمیتوان

بحث شان و اسباب نزول را باید دید

یا این که باید موارد را فرق گذاشت ؛

نه، باید گفت: اصطیاد - بی اصطیاد؛ و نه این که از هر آیه قاعده استنباط کنیم ..

گفتگو از آیات الاحکام بدون توجه به فلسفه آیات الاحکام ، در واقع ساختن خانه بر روی برف است...

جناب راوندی قرن ششم فقه القرآن را می نویسد ...یا فاضل مقداد در قرن نهم و هشتم کنز العرفان را می نویسد و یا زبدة البیان که قرن دهم نوشته شده است...به هر حال برخی مطلقا راجع به آیات الاحکام کتاب نوشته اند و برخی تحت عنوان آیات الاحکام مثلا حقوقی و جزایی

و یا کتاب مسالک الافهام الی آیات الاحکام در این باره هست و یا آیات الاحکام های تطبیقی که آقای فاکر میبیدی نوشته است؛ فقه پژوهی قرآنی ؛ و یا کتاب آیات الاحکام آقای شانه چی وبه هر حال در تمامی موارد ، جای بحث فلسفه آیات الاحکام خالی است.....